

ارزیابی میزان کاربست روش سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران:

بررسی روش شناختی مقالات علمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۹
تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵

علی اشرف نظری *
فاطمه محروق **
امیر عباسی خوشکار ***



چکیده

آینده‌پژوهی به مثابه دانش اقدام و یک حوزه مستقل بین رشته‌ای برخوردار از پشتوانه‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی است. با این حال، هنوز در سطوح و لایه‌های گوناگون اجتماعی و در عرصه مطالعات علوم اجتماعی به درستی فهم و درک نشده است و در پژوهش‌های روابط بین‌الملل کمتر آثاری در این زمینه به چشم می‌خورد. هدف از پژوهش حاضر که یافته‌های آن آمده، یافتن عوامل احتمالی کم‌توجهی به سناریونویسی به مثابه یکی از ابزارهای نخستین و پرکاربرد در آینده‌پژوهی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران است. بر این اساس، بررسی آینده‌شناسی، روش‌شناسی و محتواشناسی مقالات پژوهشی تولید شده در حوزه آینده‌پژوهی با تکیه بر روش سناریونویسی در نشریات تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ با رویکرد تحلیل روند به صورت کمی - آماری و با رویکردی انتقادی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بداعت و تازگی این حوزه مطالعاتی، باورهای نادرست و انتظار غیرعلمی از آینده‌پژوهی و روش‌های مناسب کاربست آن، آشنایی اندک اساتید، دانشجویان و پژوهشگران روابط بین‌الملل با این حوزه مطالعاتی،

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

aasharaf@ut.ac.ir

** دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

fmahrough@ut.ac.ir

*** دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

khoshkar1392@yahoo.com

زمان‌بر بودن و هزینه مالی انجام چنین پژوهش‌هایی و در نهایت عدم انباشت دانش حاصل از یافته‌های آینده‌پژوهی عوامل احتمالی مؤثر در ضعف توجه به آینده‌پژوهی به طور عام و سناریونویسی به طور خاص است.

واژگان کلیدی: عدم قطعیت، روابط بین‌الملل، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، آینده‌پژوهی



مقدمه

اندیشیدن به آینده و تلاش برای اثرگذاری بر رویدادهای در حال شکل‌گیری مقوله‌ای تازه نیست و به دسته‌ای خاص و یا نگرشی ویژه اختصاص ندارد، بلکه پدیده‌ای جهان‌شمول، قدیمی و فراگیر است. با این حال، نظر به سرعت و دگرگونی‌های ژرف در پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی و از آنجا که «هوشمندانه‌ترین رویکرد انسان‌ها و جوامع، آماده شدن برای رویارویی با رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر و رفتن به پیشواز آینده است» (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۱: ۴)، مسئله اصلی در اینجا چگونگی آمادگی برای رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر و به پیشواز آن رفتن است. با توجه به پیچیدگی و عدم قطعیت^۱ حاکم بر امور، روش‌شناسی می‌تواند پیرامون برنامه‌ریزی برای آینده کمک قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. زیرا، همانگونه که نظریه‌پردازی‌ها، ساختارهای تازه‌ای از مفاهیم جاری را پدید می‌آورند، روش‌شناسی‌ها نیز افزایش نیروی فکری و کاربردی اندیشه‌ها و نظریه‌ها را به دنبال دارند (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۱: ۱۵۹). درست در همین جا است که می‌توان از سناریوها برای واردکردن داده‌های خام در بافتارهای معنادار انسانی و برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن و محتمل بهره برد.

با توجه به هدف مقاله حاضر، کاربرد و سودمندی روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی از جمله سناریونویسی، با توجه هدف مقاله حاضر، در عرصه مطالعات و پژوهش‌های روابط بین‌الملل به یکی از موضوعات جذاب، گیرا و تهییج‌کننده و در عین حال مناقشه‌برانگیز تبدیل شده است. علت این مسئله را می‌توان در پیچیدگی درک واقعیت جست. این پیچیدگی اغلب با ذهنیت‌های پژوهشگر، آشوبناکی محیط، سهل‌انگاری، خطا در مشاهدات یا تکیه صرف بر روندهای گذشته و همچنین تعدد متغیرها و ناتوانی در تشخیص میزان تأثیرگذاری آنها در فرایند پژوهش همراه است. از سوی دیگر، متأثر از تحولات معرفتی در عرصه مطالعات روابط بین‌الملل و اهمیت یافتن روش‌های آینده‌پژوهی به ویژه سناریونویسی، این روش با استقبال چندان و تحرک کافی از سوی اساتید، دانش‌پژوهان و به طور کلی حوزه‌های آکادمیک روبه‌رو نشده است. این ناسازگاری با تغییرات و مقتضیات محیطی را می‌توان در پذیرش و کاربرد هر چند محدود روش سناریونویسی در برخی دستگاه‌های رسمی ایران همچون نهاد وزارت دفاع، بازرگانی و نهادهایی از

این نوع، در عین توجه ناکافی به آن در حوزه‌های دانشگاهی کشور، مشاهده کرد. بخش عمده مقالات مندرج در نشریه‌های تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل حول محور همان مباحث نظری رایج در روابط بین‌الملل و روش‌شناسی‌های منبعث از آن یا پیوند آن با یک مورد مطالعاتی است که عمدتاً در چارچوب منابع کتابخانه‌ای و بدون بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های جدید در حوزه روش‌شناسی صورت پذیرفته است.

پاسخگویی به این پرسش‌ها هدف مقاله حاضر است: با توجه به پیچیدگی و عدم قطعیت محیط بین‌الملل و غیرخطی و آشوبناک بودن رخدادهای سیاسی چگونه می‌توان از سناریونویسی در درک مناسب محیط بین‌الملل و برنامه‌ریزی بر پایه آن استفاده کرد؟ سناریونویسی چه قابلیت‌ها و استعدادهایی برای پاسخگویی به دغدغه‌ها و نیازهای پژوهشگران و محققان فعال در حوزه روابط بین‌الملل دارد؟ علل نازل بودن توجه به این روش در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران در چیست؟

بررسی آینده‌شناسی، روش‌شناسی و محتواشناسی مقالات پژوهشی تولید شده در حوزه آینده‌پژوهی با تکیه بر روش سناریونویسی در نشریات تخصصی روابط بین‌الملل در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ با رویکرد تحلیل روند^۱ هدف ارزیابی مقاله قرار گرفته است. با مطالعه شاخص‌مند روش و محتوای مقالات مذکور می‌توان به آسیب‌شناسی فرایند آینده‌پژوهی در ایران پرداخت. مقالات گردآوری شده در این نوشتار شامل بررسی مقاله‌های علمی - پژوهشی فارسی‌زبان است که در ۱۱ مجله معتبر علمی - پژوهشی به چاپ رسیده‌اند. این مجلات عبارت‌اند از: فصلنامه سیاست، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، پژوهشنامه علوم سیاسی، مطالعات راهبردی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دانش سیاسی، روابط خارجی، آفاق امنیت، مطالعات بین‌الملل، مطالعات انقلاب اسلامی و فصلنامه مجلس و راهبرد. از سوی دیگر، در بررسی رویکرد نهادهای اجرایی به فرایند آینده‌پژوهی، ۱۳۳ عنوان کتاب که از سوی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی منتشر شده و در دسترس نگارنده قرار گرفته، به عنوان خروجی نهاد اجرایی وزارت دفاع مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که ممکن است روش‌های آینده‌پژوهی و سناریونویسی در سایر دستگاه‌های رسمی کشور نیز انجام شده باشد، اما به دلیل

۱. تحلیل روند عبارت است از مطالعه یک روند مشخص به منظور کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه و پیامدهای بالقوه آن در روش کمی، داده تحلیل روند در طول یک محور زمانی بررسی و منحنی آن ترسیم می‌شود (آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها، ۸۸).

محرمانه بودن یا عدم دسترسی نگارنده در اینجا ذکر نشده باشد. بنابراین، عدم ذکر آنها به معنای نبود آنها و احتمالاً منشأ یک خطای نظام‌مند در یافته‌های تحقیق نخواهد بود. در مجموع، رویکرد مزبور در مقاله‌های مورد بررسی برحسب سه دسته طبقه‌بندی شده است:

- ۱- مقالات و (کتبی) که با عنوان آینده‌پژوهی منتشر شدند و دارای محتوای سناریونویسی می‌باشند.
- ۲- مقالات و (کتبی) که با عنوان سناریونویسی منتشر شده‌اند.
- ۳- مقالاتی که بدون هیچ‌یک از این عناوین در حوزه روابط بین‌الملل منتشر شدند، اما به ارائه تصویری از آینده پرداخته‌اند.

به منظور بررسی مقالات برحسب گزینه سوم، در مجموع ۱۴۲ مقاله سیاست خارجی فارسی‌زبان در نشریات روابط بین‌الملل در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ مورد بررسی واقع شده است تا ملاحظه شود تا چه میزان پژوهشگران روابط بین‌الملل به ارائه تصویری از آینده توجه نشان می‌دهند بدون آنکه لزوماً در چارچوب روش‌شناسی آینده‌پژوهی دست به مطالعه زده باشند. به عبارت دیگر، دو هدف در اینجا دنبال می‌شود. نخست، ارزیابی تکنیک‌های سناریونویسی در پژوهش‌های آینده‌پژوهی تولید شده در نشریات تخصصی روابط بین‌الملل. دوم، مقایسه و ارزیابی یافته‌ها و دستاوردهای پژوهش آینده‌شناسانه نسبت به یافته‌های دیگر نشریات تخصصی روابط بین‌الملل (در اینجا سیاست خارجی) که بدون هدف آینده‌پژوهی تولید شده‌اند و ممکن است در آنها به ارائه تصویری از آینده نیز روی آورده باشند. پژوهش حاضر با رویکرد کمی و بر اساس تحلیل روند، با در نظر داشتن شاخص‌های کلان آینده‌پژوهی و روش‌شناسی درصدد است تا با ارائه یافته‌های پژوهش خود به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- ۱- چه میزان از مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده روابط بین‌الملل در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ به آینده‌پژوهی اختصاص یافته است؟
 - ۲- چه میزان از مقالات علمی - پژوهشی آینده‌پژوهی منتشر شده روابط بین‌الملل در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ به سناریونویسی اختصاص یافته است؟
 - ۳- چه میزان مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده روابط بین‌الملل با روش سناریونویسی در بازه زمانی مذکور با تکنیک‌های این روش مطابقت و سازگاری دارند؟
- مقاله حاضر برآن است تا ضمن پاسخگویی به پرسش‌های فوق و آسیب‌شناسی

علل نازل بودن توجه به این روش در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران، یافته‌های خود را در اختیار پژوهشگران روابط بین‌الملل قرار دهد. نوشتار حاضر دارای چهار بخش است. بخش نخست به ادبیات و پیشینه تحقیق اختصاص دارد. بخش دوم، چارچوب تحلیلی مقاله با محوریت روش سناریونویسی اراده می‌شود. بخش سوم، به یافته‌های پژوهش با استفاده از نمودارهای کمی و ماتریس دو بُعدی اختصاص دارد. نتیجه‌گیری مقاله شامل جمع‌بندی یافته‌های پژوهش همراه با ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود مطالعات در حوزه آینده پژوهی و سناریونویسی است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

توجه به وضعیت علمی، آموزشی و پژوهشی رشته روابط بین‌الملل از دیرباز مورد توجه محققان این رشته بوده است. بخشی از این بررسی‌ها به مجلات و مقالات منتشره با هدف شناخت وضعیت یا تحولات رشته روابط بین‌الملل به طور عام یا در حوزه‌های خاص اختصاص یافته است (بنگرید به مشیرزاده و دیگران، ۱۳۹۴). مرور مقالات انتشار یافته یکی از اشکال این قبیل پژوهش‌ها است. به عنوان مثال، اولی ویور (Wæver, 1998) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی رشته‌ای نه چندان بین‌المللی: تحولات آمریکایی و اروپایی در روابط بین‌الملل» به بررسی مسئله سلطه آمریکا بر این رشته می‌پردازد و بخشی از مقاله را به الگوی انتشار در مجلات تخصصی روابط بین‌الملل اختصاص می‌دهد.

برایان سی اشمیت در مقاله «در مورد تاریخ و تاریخ‌نگاری روابط بین‌الملل» به میزان تأثیرپذیری تاریخ رشته مزبور از تحولات تئوریک و روش‌شناختی آمریکا و شرط امکان جامعه علمی بومی در تحول این رشته می‌پردازد. او به بررسی روابط بین‌الملل به عنوان حوزه مطالعاتی آکادمیک تأکید دارد که در آن تاریخ رشته روابط بین‌الملل باید به بازسازی تاریخ گفتمانی رشته در دو بُعد جهانی و بومی متعهد باشد.^۱

در ایران نیز تمایل به آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت نگارش علمی نسبت به وضعیت رشته روابط بین‌الملل با اقبال زیادی روبه‌رو شده است. برخی از این آثار در اینجا اشاره می‌شود. مجموعه مقالات «بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران» به اهتمام حسین سلیمی (۱۳۸۸) حاصل

۱. البته کار اشمیت و ویور فراتر از این و به نوعی تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی رشته است که ابعاد متعدد دیگر را نیز دربرمی‌گیرد.

نخستین کنفرانس بررسی وضعیت آموزش و پژوهش در این رشته مطالعاتی در ایران است که با نگاهی انتقادی به بررسی و شناخت مشکلات موجود در زمینه وضعیت دانش سیاسی در ایران با رویکرد نظری و اجرایی پرداخته و دستاورد آن، ارائه محورهای اجرایی مستخرج از مقاله‌ها جهت بهبود وضعیت علوم سیاسی در ایران بوده است.

کاووس سیدامامی در پژوهشی با عنوان «جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران»، با بررسی ۷ نشریه تخصصی علوم سیاسی ۲۸۲ مقاله را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که ۸۲ درصد مقاله‌های نشریه‌های مورد بررسی با استناد به منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده‌اند. در ۶/۴ درصد از مقاله‌ها در حد قابل توجهی از یافته‌های تجربی موجود استفاده شده است. ۶ درصد از مقاله‌ها برآمده از یافته‌های تجربی خود نویسندگان بوده است و در ۵/۶ درصد مقاله‌ها روش‌های غیرتجربی جایگزین مثل هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و غیره به کار رفته است (سیدامامی، ۱۳۸۹).

سیدامامی در پژوهشی دیگر با عنوان «پارادوکس‌های آموزش روش‌شناسی علم سیاست در ایران؛ برخی راهکارهای عمل‌گرایانه» به معضلات روش‌شناسی در رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در فضای خاص فرهنگی و آموزشی جامعه ایران پرداخته است. او در این پژوهش از مطالعه برنامه درسی دانشگاه‌های اصلی ارائه‌دهنده این روش در ایران (در تهران)، تجربه‌های تدریس روش‌شناسی شخصی خود و از ۴۷ مصاحبه غیرساختارمند با دانشجویان مقطع ارشد و دکتری شماری از دانشگاه‌های کشور در تهران به شیوه کیفی بهره گرفت و به سه معضل اصلی اشاره کرده است: ۱. در حاشیه قرار داشتن روش‌شناسی و درس‌های مربوط در اغلب دانشکده‌های علوم سیاسی؛ ۲. ناکافی بودن تعداد واحدهای اختصاص داده شده به مباحث روش‌شناختی به طور عام و در نتیجه، عدم دستیابی به یک تعادل مطلوب در مباحث درس‌های روش‌شناسی؛ ۳. نادیده گرفتن تنوع مکاتب و رویکردهای روش‌شناختی در جهان معاصر و اتخاذ نوعی مونیسم روش‌شناختی (سیدامامی، ۱۳۸۷).

محمدعلی تقوی و مهسا ادیبی در پژوهشی تحت عنوان «ضعف سنت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران» با رویکردی کمی به تحقیق بررسی جایگاه نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران پرداخت. یافته‌های وی از بررسی ۵۹۶۸ مطلب منتشر شده نشان می‌دهد که ۸/۲ درصد عناوین و ۴/۵ درصد حجم مطالب منتشر شده به

مطالب انتقادی اختصاص دارند. از سوی دیگر، ۹۱ درصد تعداد و ۸۴ درصد حجم مطالب انتقادی، «نقدکتاب» بوده‌اند. به عقیده نویسندگان این داده‌های آماری حاکی از ضعف سند نقد در پژوهش این رشته است (تقوی و ادیبی، ۱۳۸۹). در حوزه آینده‌پژوهی نیز نوعی تمایل به خودآگاهی نسبت به وضعیت رشته علوم سیاسی در کل و مطالعات بین‌الملل به طور خاص در حوزه آینده‌شناسی و آینده‌پژوهی در سال‌های اخیر رو به رشد بوده است. به عنوان نمونه، مجموعه مقالات «ایران، سیاست، آینده‌شناسی» به اهتمام مجتبی مقصودی حاصل همایشی بوده است که از سوی انجمن علوم سیاسی ایران با رویکرد آینده‌پژوهانه برگزار شد و در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسید. یافته‌های پژوهشی این مجموعه مقالات، تحولات مطالعاتی در این رشته را از نظری روشی - نظری و تجربی در حوزه آینده‌پژوهی نشان می‌دهد. به لحاظ موضوعی، تمرکز بیشتر مقاله‌ها روی مباحث نظری - روش‌شناختی بوده است و در کنار آن چند مقاله به لحاظ تجربی - کارکردی (عمدتاً ۴ مقاله) مورد بررسی قرار گرفته است که از جمله آن می‌توان به مقاله «آینده‌نگری در پایان‌نامه‌های دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی» به اهتمام امیرمحمد حاجی یوسفی و معصومه طالبی و مقاله «آینده‌شناسی جهت‌گیری سیاست خارجی ایران با بهره‌گیری از مدل SWOT؛ مطالعه موردی: سیاست خارجی ایران در افغانستان پس از تهاجم آمریکا» با همکاری محسن خلیلی و نسترن صالح‌نیا نام برد (مقصودی، ۱۳۹۱).

با این حال، در پژوهش‌های حوزه روش‌شناسی در ایران جای خالی پژوهش تجربی با رویکردی آسیب‌شناختی به وضعیت روش‌شناسی آینده‌پژوهی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل به وضوح قابل مشاهده است. البته در این زمینه می‌توان از مقاله ابراهیم حاجیانی با عنوان «معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده» نام برد. با این حال، یافته‌های پژوهش وی به ارائه معیارهای قابل توجه در ارزیابی کلیه روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی بدون اولویت دادن به ارزیابی یک تکنیک خاص محدود شده است و در پژوهش خود به طور عمده از منابع و متون خارجی، به عبارت دیگر، یافته‌های موجود برای اثبات ادعاهای خود استفاده کرده است. البته این مقاله به لحاظ ارائه سنج‌ها و معیارهایی به محققان برای آگاهی از توانایی‌های روش‌شناختی هر کدام از تکنیک‌های آینده‌پژوهی از ارزش بالایی برخوردار است و در این مقاله نیز یافته‌های وی استفاده شده است (حاجیانی، ۱۳۹۰). از این رو، پژوهش حاضر به رغم آنکه در تداوم سنت مطالعاتی فوق یعنی

مطالعه آسیب‌شناختی دانش نظری - روشی روابط بین‌الملل قرار دارد، به لحاظ رویکرد انتقادی و آسیب‌شناختی به پژوهش‌های این رشته در حوزه آینده‌پژوهی با تکیه بر روش / تکنیک سناریونویسی در نوع خود جدید است. نگارندگان مقاله با استفاده از دو مفهوم کلان روش‌شناسی و آینده‌شناسی به ارزیابی روش و محتوای مقالات و کتب منتشر شده در حوزه آینده‌پژوهی پرداخته‌اند که به لحاظ شاخص‌های تحلیل و دامنه گسترده داده‌های مورد استفاده قابل ملاحظه است.

چارچوب تحلیلی

۱- تعریف سناریو

علوم اجتماعی همواره با تکرار معانی، مفاهیم و روش‌ها روبه‌رو است. نبود اجماع در خصوص تعریف روش‌شناسی، روش تحقیق، مدل‌ها، چارچوب نظری و مانند آن به یکی از خصوصیات بارز این رشته مطالعاتی تبدیل شده است. تعریف سناریو نیز از این امر مستثنی نیست؛ به گونه‌ای که هیچ تعریف منحصر به فرد یا اجماع درباره آن وجود ندارد. سناریو توصیفی ساده و عادی از زمان در حال نیست، بلکه سناریوها، به تصویر کشاندن احتمالات آینده و تحلیل و شناخت متغیرهای محیطی پیچیده خواهند بود. سناریوها به عنوان روشی برای آینده‌نگاری، ابزارهایی برای کمک به ما در اتخاذ تصمیم‌های دورنگرانه با عدم قطعیت بالا هستند که امکان یکپارچه‌سازی آینده‌های میان‌مدت و بلندمدت را با برنامه‌ریزی‌های راهبردی کوتاه‌مدت و میان‌مدت فراهم می‌کنند (نیوری‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

تاریخچه کاربرد این واژه به دهه ۱۹۴۰ میلادی بازمی‌گردد. در آن برهه، واژه سناریو در گفتمان‌های سیاسی کاربردهای فراوانی داشت، اما هنوز به عنوان روشی نظام‌مند شناخته نمی‌شد. این واژه که از دنیای هنر به عاریت گرفته شده است، با مفهوم جدید نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم به عنوان روشی برای برنامه‌ریزی نظامی و تحلیل‌های امنیتی ظاهر شد. این روش در بخش‌های دفاعی و نظامی نیروی هوایی آمریکا به منظور شناسایی وضعیت دشمن و آماده‌سازی راهبردهای بدیل جنگی مورد استفاده قرار گرفت. در دهه ۱۹۶۰ هرمن کان که با نیروی هوایی آمریکا همکاری داشت، سناریوها را به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی کسب و کار و عرصه تجارت مطرح کرد. استفاده از این روش در حوزه غیرنظامی توسط اندیشگاه

رند^۱ و مؤسسه هودسون^۲ که توسط هرمن کان پس از استعفا از اندیشکده رند تأسیس شده بود، گسترش یافت (هیدن، ۱۳۸۹: ۲۵).

تحلیل سناریو در ابتدا گسترش «پیش‌بینی و کنترل» در برنامه‌ریزی بود که بر اساس برنامه‌ریزی مبتنی بر پیش‌نگری در دهه ۱۹۶۰ رایج بود. به تدریج این نگرش جای خود را به ارزیابی احتمالی آینده‌های بدیل داد که منجر به تخمین و برآورد «محتمل‌ترین حالت» می‌شود. این روش پیشرفتی بنیادین نسبت به دیگر رویکردهای پیش‌نگری نبود و در اواخر دهه ۱۹۶۰ خطاهای این رویکرد به طور گسترده شناخته شدند (هیدن، ۱۳۸۹: ۲۶). اما در اوایل دهه ۱۹۷۰، پی‌یر واک ابعاد جدیدی به برنامه‌ریزی سناریو افزود. وی ضمن معرفی این روش به مدیران شرکت نفتی شل، بخشی جدید تحت عنوان «گروه برنامه‌ریزی» به منظور بررسی حوادث ممکن‌الوقوع و تأثیرگذار بر قیمت نفت تأسیس کرد. از دستاوردها و نقش بزرگ پی‌یر واک در فرایند سناریو این بود که بر مشاهده افراد پشت سر تصمیم‌ها و نه پدیده‌های فنی یا کلان اصرار داشت. بحران نفتی ۱۹۷۳ نیز نشان داد که تحلیل سناریو شرکت شل را در مسیر تفکری قرار داده که پیش‌نگری سنتی هرگز چنین کاری نکرده بود. پیش‌نگری پاسخ‌ها را ارائه می‌کند، اما برنامه‌ریزی سناریویی از افراد می‌خواهد که پرسش‌های حساس را مطرح کنند (هیدن، ۱۳۸۹: ۲۸). در سال‌های بعد استفاده از این روش به عنوان ابزاری در مدیریت راهبردی گسترش بسیار یافت.

۲- طبقه‌بندی و طراحی برنامه‌ریزی سناریو

برخی افراد این فرض را مبنای کار خود قرار می‌دهند که برنامه‌نویسی سناریو یک ابزار به خوبی تعریف شده میان دیگر ابزارهای جعبه ابزار راهبردنویس است. این یک سوء تفاهم است. برنامه‌ریزی سناریویی بیش از آنکه یک ابزار باشد، یک روش عمل‌گرای تفکر راهبردی است که بر وجود عدم قطعیت در تمام نتایج اذعان دارد. ایده راهبردسازی برای آینده در اصل مبتنی بر پیش‌بینی‌ناپذیر بودن آینده است و فرض ما بر این است که بعضی جنبه‌های آن را می‌توان پیش‌نگری کرد. از این رو، برنامه‌ریزی سناریویی، عدم قطعیت و ابهام غیرقابل کاهش در هر موقعیت فراروی راهبردنویس را چراغ راهنمای خود قرار می‌دهد که در آن راهبرد موفق

1. Rand
 2. Hudson

تنها در پاسخ پویا و در حال پیشرفت به این موقعیت توسعه می‌یابد (هیدن، ۱۳۸۹: ۳۰، 8-9، The Futures Group, 1994).

در برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو انواع مختلف سناریو و شیوه‌های طبقه‌بندی آنها وجود دارد که البته به هیچ عنوان در فرایند تحقیق مورد بررسی قرار نمی‌گیرند، بلکه جنبه‌های خلاقانه و ارتباطی مورد استفاده قرار می‌گیرند و در رویکرد تصمیم‌گیری و اقدام صاحب‌نظران اشاره می‌شوند. یکی از وجوه تمایز رایج و ریشه‌دار در طبقه‌بندی سناریو، تفاوت آنها در رویکردهای هنجاری و اکتشافی است. اکتشافی^۱ به معنای شروع از روندهای گذشته و حال و رسیدن به آینده قابل تحقق است. سناریوهای اکتشافی ممکن است تحت هدایت روند یا برعکس مبتنی بر محتمل‌ترین یا غیرمحتمل‌ترین تغییرات باشند. رویکرد هنجاری^۲ یا پیش‌نگر^۳ نیز به معنای ساختن چشم‌اندازهای متفاوت از آینده است (Marien, 2002: 270). آنها ممکن است مطلوب یا برعکس بیمناک باشند (خزایی، ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۶۰). از دیدگاه روش‌شناختی سه نوع برنامه‌ریزی بر اساس سناریو شناخته شده‌اند: منطق شهودی، تحلیل اثر روند^۴ و تحلیل اثر - متقابل (میتزور و رگر، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۴؛ پیشاب، ۱۳۸۸: ۲۷-۱۶).

از سوی دیگر، در هنگام طراحی سناریوها باید به یکسری ویژگی‌های سناریو توجه داشت که سبب بالا رفتن دقت پژوهش در این راستا می‌شود. این ویژگی‌ها عبارتند از: امکان وقوع داشته باشد؛ مسیری منطقی و قابل قبول از حال به آینده را ترسیم کند؛ به توصیف روابط علت و معلولی بپردازد؛ بر امر تصمیم‌گیری متمرکز باشد؛ به چالش‌ها، تهدیدها، فرصت‌ها و نیازهای آینده توجه کند؛ با گذشته کاملاً بی‌ارتباط نباشد؛ از نظر ساختاری و کیفی از یکدیگر متمایز باشند؛ تمام سناریوها دارای احتمال وقوع برابر باشند، به طوری که مجموعه سناریوها طیفی وسیع از عدم قطعیت‌ها را پوشش دهند؛ سناریوهای ساخته شده قابل باور باشند (نپوری‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۷). رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی در مورد چگونگی اجرای سناریوها و نحوه کاربرد تکنیک و فن سناریو وجود دارند (Burt & Vander Heijden, 2008: 1110-1111). همچنین روش‌های گوناگون و پیچیده کمی و کیفی برای انجام آنها در دسترس قرار می‌گیرند. اما بعضی ابعاد و جنبه‌ها در مفاهیم مختلف به

1. Exploratory
2. Normative
3. Anticipatory
4. Trend Impact Analysis

طور کامل مشابه و یکسان هستند. به هنگام طراحی سناریو باید مشخص شود که هدف از سناریوسازی ارائه کدامیک از آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح می‌باشد. یک سناریونویسی باید «آینده‌های ممکن» یا «آینده‌های بدیل»^۱ برای یک پدیده را شناسایی کند و برای هر موضوع باید سناریوها و انواع احتمالات ممکن را در نظر داشته باشد (منزوی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۴، حاجیانی، ۱۳۹۰: ۸۹).

پیتر شوارتز، یکی از پیشگامان حوزه توسعه و تحول سناریو، در کتاب «هنر دورنگری» گام‌های اساسی طراحی سناریو را به شرح زیر توصیف کرده است: گام اول؛ شناسایی موضوع اصلی: هنگام سناریوپردازی تحلیل گران و راهبردنویسان باید درکی درست از تصمیم‌های خود داشته باشند و بدانند که در آینده باید چه موضوعاتی را در اولویت قرار دهند. بهتر آن است که ساخت سناریو از درون به بیرون انجام شود یعنی با یک موضوع یا تصمیم مشخص شروع شود و سپس به محیط بیرونی آن موضوع پرداخته شود. از سوی دیگر، در گام نخست باید ماهیت تصمیم‌های راهبردی مشخص شود که این گام می‌تواند با طرح پرسش‌های مناسب و حساس با توجه به مأموریت، چشم‌انداز و ارزش‌ها انجام شود.

گام دوم؛ شناسایی پارامترهای اثرگذار محیط: یک طراح سناریو باید به صورت همزمان بر موضوعات کلیدی و مهم و رویدادهای غیرمنتظره و اثرگذار احتمالی تمرکز کند. تهیه فهرستی از عوامل حیاتی که بر موفقیت یا شکست سازمان یا نهاد تأثیر می‌گذارد، نکته‌ای است که در این مرحله باید به آن توجه داشت.

گام سوم؛ تعیین نیروهای محرک و پیشران: در این گام تلاش می‌شود تا با شناسایی نیروهای محرک و پیشران، فهرستی از نیروهای تأثیرگذار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیطی و فن‌آوری تهیه کرد، که به طور عمده دو الگوی مشهور دیجست^۲ یا استیپ وی^۳ برای انجام آن شناخته شده هستند، و با توجه به این نیروها عوامل کلیدی موفقیت را شناسایی کرد. بدون تشخیص نیروهای پیشران هیچ راهی برای شروع تفکر سناریویی وجود ندارد.

گام چهارم؛ اولویت‌بندی بر مبنای اهمیت و عدم قطعیت: مرحله بعدی، مرتب کردن عوامل کلیدی و نیروهای پیشران بر مبنای دوشرط زیر است:

اول: اجماع و توافق بر روی اهمیت موضوع یا تصمیمی که در گام اول مشخص

1. Alternative Futures
 2. DEGEST
 3. STEEP (V)

شد.

دوم: میزان عدم قطعیت عوامل و روندهایی که در گام‌های دوم و سوم شناسایی شدند.

هدف از این مرحله، شناسایی روندهایی است که دارای بیشترین اهمیت و بالاترین عدم قطعیت هستند. توانایی کشف تغییرات و تصمیم‌گیری به موقع آن چیزی است که به حلقه OODA معروف است. این حلقه که معرف چهار کلمه مشاهده، جهت‌گیری^۱، تصمیم^۲ و اقدام^۳ است، برای شناسایی تهدیدات و فرصت‌های آینده استفاده می‌شود.

گام پنجم؛ انتخاب منطق سناریو: نتیجه رتبه‌بندی نیروهای پیشران در گام چهارم، به دست آوردن محورهای بنیادین پیش‌رو و کلیدی در سناریوهای احتمالی است. شناسایی این محورها، اصلی‌ترین و مهم‌ترین گام در فرایند کلی سناریوسازی است. فرض‌های مختلف درباره این محورها منجر به تدوین سناریوهای مختلف می‌شود. برای به دست آوردن منطق سناریو باید از چگونگی تأثیر نیروهای پیشران و نحوه تقابل یا تعامل آنها بر یکدیگر آگاه بود. وقتی که محورهای بنیادین و عدم قطعیت‌های تعیین‌کننده شناسایی شدند، لازم است آنها بر یک ماتریس (بر دو محور) نمایش داده شوند تا منطق سناریوهای مختلف و جزئیات آنها معلوم شود. گام ششم؛ تدوین سناریوها: هنگام تدوین سناریوها بهتر است از گروهی که در نهاد یا سازمان مسئولیت تصمیم‌گیری ندارند، استفاده شود. این کار سبب می‌شود تا گروه تحقیق درگیر ساختار و ذهنیت قبلی نشوند.

گام هفتم؛ ارزیابی موضوع اصلی: زمانی که سناریوها تدوین شدند، وقت آن رسیده است تا تصمیم یا موضوع اصلی در گام نخست مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. در این مرحله، تصمیم مورد نظر از نظر قوت و ضعف بررسی می‌شود.

گام هشتم؛ تعیین شاخص‌های راهنما: پس از تدوین سناریوها و ارزیابی موضوع اصلی، شاخص‌های راهنمایی برای پایش مسیرهای آینده تهیه شود. شناسایی این شاخص‌ها از آن رو اهمیت دارد که نهاد یا سازمان را در رسیدن به تصمیم اصلی یاری می‌دهد و به کمک این شاخص‌ها، تأثیرات حوادث بر راهبردها و تصمیم‌های موجود مشخص می‌شود و جهش بهتری در فضای رقابتی آینده ایجاد خواهد کرد

1. Observation
2. Orientation
3. Decision
4. Action

(نیپوری‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۵۰؛ منزوی، ۱۳۸۸: ۱۸).

۳- معیارهای ارزیابی یافته‌های آینده‌پژوهی از نگاه روش‌شناختی

در این بخش از کار معیارهای ارزیابی یعنی یکسری ضوابط و معیارهایی بر اساس الزامات و اصول علمی حاکم بر مطالعات آینده‌پژوهی ارائه می‌شود تا بر اساس آن بتوان یافته‌های آینده‌پژوهی را مورد ارزیابی و مذاقه قرار داد. این معیارها در ارزیابی ما از مقالات گردآوری شده در این مقاله مورد استفاده قرار خواهند گرفت. حاجیانی این معیارها را به خوبی تشریح کرده است که مهم‌ترین آنها در ذیل ذکر می‌گردد:

الف - از آنجا که سناریونویسی در فضای احتمالات انجام می‌شود، به هنگام طراحی سناریو باید مشخص شود که هدف از سناریوسازی ارائه کدامیک از انواع آینده‌های ممکن^۱، آینده‌های محتمل^۲ و آینده‌های مرجح یا مطلوب^۳، برای یک پدیده است و انواع احتمالات ممکن را مطرح کند (Glenn, 1994: 8؛ حاجیانی، ۱۳۹۰: ۹۷).

ب - محصولات تحقیقات سناریو باید بتوانند اولویت‌های وقوع هر حالت را احصاء و معرفی کنند. در واقع، در نتیجه باید روشن شود کدام حالات احتمال وقوع بیشتری دارند و برای هر حالت، میزان یا حدی از احتمال وقوع را مشخص کنند. پس توانمندی روش‌ها برای اولویت‌بخشی و رتبه‌بندی^۴ حالات بسیار مهم است.

پ - جهت تأثیر متغیرهای پیشران باید روشن شود؛ یعنی هر متغیر یا نیروی مؤثر چگونه تأثیری (به طور مثبت یا منفی) بر متغیر تحت بررسی دارد؟

ت - روندها (نیروهای از قبل موجود) و رویدادها (متغیرهای جدید و حادث شده) را به تفکیک معرفی و میزان تأثیر هر کدام محاسبه و در صورت امکان به صورت کمی ارائه شوند.

ث - بیان مکانیسم علی^۵: یعنی در فرایند اجرای تکنیک باید مشخص شود که نحوه، شیوه و روند شکل‌گیری هر کدام از آینده‌ها چگونه است؟ منظور از مکانیسم علی، بیان سلسله حوادث و چرخه متغیرها و نحوه چینش روش‌شناختی

1. Possible Futures
2. Probable Future
3. Preferable Futures
4. Ranking
5. Casual Mechanism

و نیازهای تصمیم‌گیرندگان بسیار مهم است که سناریوها یا حالات محتمل‌تر تحت چه شرایطی و طی چه فرایندی محقق می‌شوند تا بتوانند مانع حالات نامطلوب و تسریع در شکل‌گیری حالات مطلوب و دلخواه شوند.

ج - معرفی و تشخیص کنشگران یا بازیگران در پروژه‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، مطالعات امنیتی و تشخیص نیات، اغراض، توانمندی‌ها، منابع، میزان برخورداری آنها از اطلاعات و نتایج احتمالی رقابت‌ها و منازعات بازیگران و نحوه احتمالی توزیع امتیازات میان بازیگران اهمیت بسزایی دارند.

د - برخورداری از چارچوب نظری متقن و مقنع و وفاداری به مبانی معرفت‌شناختی آن. تولیدات پژوهشی باید مبتنی بر نظریه‌های مشخص علمی و قوانین منتج از آن باشد، اعم از اینکه نظریه‌های موجود و رایج باشد یا ترکیبی از نظریه‌ها را به عنوان مبنا در نظر گیرد یا حتی آنکه به طور مبتکرانه و خلاقانه نظریه جدید را مطرح سازد.

ذ - قابلیت اعتباربخشی: یافته‌های پیش‌بینی در دوحوزه شناسایی انواع احتمالات و نیز اولویت‌دهی به هر احتمال باید متکی بر شواهد و فرایندها یا آمارها یا اجماع میان نخبگان، کارشناسان، خبرگان و صاحب‌نظران در آن حوزه تخصصی باشد. به عبارت دیگر، هنگامی تولیدات آینده‌پژوهی اطمینان‌بخش و قانع‌کننده است که تنها نتیجه آراء و نظرات تحلیل‌گر نباشد، بلکه از پشتوانه متقن و قابل قبولی برخوردار باشد. این هم به منزله در نظرگرفتن روش یا روش‌های کمی از جمله تحلیل ماتریس متقابل، تحلیل رگرسیون و ... و هم استفاده از روش‌های کیفی همچون پانل نخبگان، روش دلفی و سایر روش‌های رایج در این زمینه برای اعتباربخشی یافته‌ها است.

ر - پویایی روش: یک اصل مسلم روش‌شناختی در مطالعات آینده آن است که نتایج و یافته‌ها باید در طول زمان و در بازه زمانی تحقق احتمالات و آینده‌های ممکن، امکان تغییر و جابه‌جایی اولویت‌ها را داشته باشد. درواقع، روش‌ها باید این امکان را در اختیار محقق قرار دهند که در طول زمان (اکنون و آینده) بتواند تغییرات لازم را در محصولات پیش‌بینی کنند. پویایی روش به این دلیل است که همواره امکان دارد تا در طی افق زمانی اطلاعات جدید به دست آید یا موضوع دچار تحول شود. بر این اساس، تکنیک‌ها باید امکان تجدیدنظر دائمی در یافته‌ها را در اختیار

محقق قرار دهد (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۹۶-۱۰۰).

مجموعه شاخص‌های روش‌شناختی فوق و نیز انتظارات کاربردی و عملی از تولیدات آینده‌پژوهی می‌توانند در حکم ملاک‌ها و معیارهایی باشند که به ارزیابی تکنیک‌های سناریونویسی در مقالات گردآوری شده کمک شایان توجهی خواهند داشت.

کاربرد سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل

آینده‌پژوهی به مثابه علمی میان‌رشته‌ای، کارآمدی بسیار بالا درون رشته‌های مختلف اعم از علوم تجربی و یا انسانی دارد و با وجود آنکه روش‌شناسی‌های ویژه خود را توسعه داده است، می‌کوشد از روش‌شناسی‌های متداول در دیگر رشته‌های علمی نیز بهره‌گیرد. در عرصه علوم اجتماعی نیز این رشته علمی توانسته است به عنوان حلقه پیوند میان گرایش‌ها و رشته‌های مختلف علوم اجتماعی عمل کند. روابط بین‌الملل نیز از این امر مستثنی نیست و چه بسا به دلیل ملاحظات ذاتی خود در زمینه پویایی آینده سیستم بین‌المللی و دارا بودن عدم قطعیت بالا و حساسیت زیاد پیامدهای تحولات سیستم بین‌المللی با آینده‌پژوهی پیوندی ناگسستنی دارد. البته همواره سنت سیاسی و ادبیات بسیار به منظور رویارویی با آرمانشهر یا جهان‌های بدیل موجود بوده است؛ به گونه‌ای که از بدو پیدایش نخستین اندیشه‌ها و نظریه‌های سیاسی، تصویرپردازی در خصوص آینده همواره مورد توجه فیلسوفان سیاسی بوده است. در میان پیشگامان آینده‌پژوهی معاصر می‌توان از اچ دی لاسول^۱ یاد کرد که دغدغه‌های او در حوزه سیاست اجتماعی و تلاش‌هایش برای جهت‌گیری تازه علوم سیاسی موجب امتزاج آینده‌پژوهی و سیاست شد. لاسول و همکارانش کتاب علوم خطومشی‌گذاری سیاسی^۲ را به رشته تحریر درآوردند که این کتاب را نخستین چارچوب سازمند تحلیل‌های سیاسی می‌دانند. لاسول به درستی نشان می‌دهد که بین علوم سیاسی و آینده‌پژوهی ارتباطی تنگاتنگ و معنادار وجود دارد و به باور بسیاری از آینده‌پژوهان دیگر، اهداف، روش‌ها و رویکردهای این دو حوزه چنان در یکدیگر رخنه کرده‌اند که تعیین مرزهای آنها ناشدنی یا دست کم دشوار است (خزایی، ۱۳۹۲: مقدمه).

از این رو، با توجه به پیوند بین علوم سیاسی و آینده‌پژوهی از یک سو و تداوم

1. H. D. Lasswell
 2. Policy Sciences

رابطه جامعه روابط بین‌الملل با جهان سیاستگذاران از سوی دیگر در این مقاله تلاش می‌شود به طور اجمال به برخی از مهم‌ترین قابلیت‌های این روش برای پاسخگویی به دغدغه‌ها و نیازهای پژوهشگران و محققان فعال در حوزه روابط بین‌الملل اشاره شود. از آنجا که تفکرات درباره آینده به تنهایی کارگشا نیستند، وارد شدن به مباحث سناریوسازی و کاربست تکنیک‌های مختلف آن می‌تواند در این راستا تأثیرگذار باشد و جامعه روابط بین‌الملل باید سناریوسازی را به مثابه هدف در نظر گیرد تا به نظام‌مند کردن این تفکرات کمک کند. افرادی چون برنستین^۱، لیبو^۲، استین^۳ و وبر^۴ به تازگی اظهار داشتند که «پژوهشگران روابط بین‌الملل تمایل دارند تا استدلال‌هایی را برجسته سازند که بیشتر به گذشته برمی‌گردد و یک یا دو متغیر علی را جدا می‌سازند که به عنوان نیروی محرک عمده نتایج آینده و گذشته فرض شده‌اند». بنا به استدلال آنها این امر یکی از نقاط کور این رهیافت است که منجر به کاهش این دسته از مباحث در حال اجرای سیاست می‌شود و در صورتی که بخواهیم به مثابه یک حرفه بر معضلات مهم سیاسی نفوذ داشته باشیم، پژوهشگران باید به توسعه برخی دیگر روش‌ها با مفیدیت بیشتر نسبت به روش‌های مبتنی بر تئوری قیاسی - قانونی بپردازند (Neumann & Verlandt, 2004: 258-259).

کاندیدای اصلی آنها برای این کار سناریوسازی است.

از آنجا که معمولاً در حوزه شناخت‌های علمی نحوه وصول به واقعیت و شیوه کشف و دسترسی به یافته مهم‌تر از خود یافته‌ها است و اعتبار و فایده‌مندی یافته‌ها مرهون روش‌ها و تکنیک‌هایی است که محققان در فرایند تحقیق به کار می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۲)، در ادامه تلاش می‌شود تا با بررسی و ارزیابی مقالات گردآوری شده از مجلات تخصصی روابط بین‌المللی منتخب، علل نازل بودن توجه به روش سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران را مورد ملاحظه قرار دهیم و یافته‌های پژوهش را در اختیار اساتید و پژوهشگران این رشته جهت کاربست آن در پژوهش‌های آینده قرار دهیم.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های به دست آمده از بررسی محورهای فوق در کتب و مقالات

1. Bernstein
2. Lebow
3. Stein
4. Weber

فارسی‌زبان مورد استفاده در این حوزه پژوهشی ارائه می‌شود.

از مجموع مقاله‌های نشریه‌های تخصصی روابط بین‌الملل چاپ شده در بازه زمانی مذکور، تنها ۲۸ مقاله به آینده‌پژوهی اختصاص یافته است که از این تعداد ۱۰ مقاله یعنی ۳۶ درصد مقاله‌های بررسی شده با عناوین آینده‌پژوهی انتشار یافته‌اند که در محتوا به سناریوپردازی پرداخته‌اند و ۴ مقاله یعنی حدود ۱۴ درصد مقالات با عنوان و محتوای سناریونویسی انتشار یافته‌اند. به عبارت دیگر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روش سناریونویسی یا به مثابه یک روش برای بررسی موضوع مورد مطالعه انتخاب شده است یا از روش‌های دیگر آینده‌پژوهی همچون روش دلفی استفاده شده و سپس بر اساس یافته‌ها به سناریونویسی پرداخته‌اند یا روش سناریونویسی به مثابه یکی از روش‌ها در کنار سایر روش‌ها توصیف شده است، بدون آنکه در بررسی پژوهشی تجربی مورد کاربست قرار گیرد. همچنین ۱۳۳ کتاب از مؤسسه تحقیقاتی آینده‌پژوهی دفاعی، زیر نظر وزارت دفاع، به صورت رندومی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۲۸ کتاب، برحسب تصادف همانند تعداد مقالات، به سناریوپردازی اختصاص یافته است که ۲۱ درصد از کتاب‌ها را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، از ۱۳۳ کتاب بررسی شده در مقاله حاضر، اکثر آنها کتب ترجمه می‌باشند و تنها ۶ کتاب بررسی شده تألیف داخل (ایران) بوده است و از این تعداد ۴ کتاب، به عبارتی ۳ درصد از ۶ کتاب تألیفی، یا درباره سناریونویسی به مثابه یک روش و کاربردهای آن اختصاص یافته است یا سناریوهایی را با توجه به موضوع مورد بررسی مطرح کرده است. در ادامه مقالات نگارش یافته در زمینه سناریو بر اساس رعایت ملاک ارزیابی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱- ارزیابی تکنیک‌های سناریونویسی در یافته‌های آینده‌پژوهی

به منظور ارزیابی یافته‌های آینده‌پژوهی که به سناریونویسی اختصاص یافته است، ضوابط و معیارهایی بر اساس الزامات و اصول علمی حاکم بر مطالعات آینده‌پژوهی ارائه شده است که بر اساس آن بتوان یافته‌های مقالات مورد بررسی در پژوهش حاضر را مورد ارزیابی قرار داد. یافته‌های پژوهش در جدول ماتریس به قرار ذیل می‌باشد:

*** به معنای سازگاری و قوت معیارها در روش سناریونویسی از حیث رعایت ملاک ارزیابی است.

- * به معنای سازگاری نسبی معیارها در توجه به ملاک ارزیابی است.
- * به معنای توجه ضمنی و سازگاری اندک با ملاک ارزیابی است.
- به معنای عدم سازگاری و غفلت از معیار مورد نظر در یافته‌ها است.

تجویس روش	قابلیت اعتباربخشی به یافته‌ها	ابتداء بر چارچوب نظری	معرفی و شناسایی کیشگران	بیان و تشریح مکانیسم علی	تعیین نیروهای پیشران	تعیین اولویت هر یک از آینده‌ها	ارائه انواع آینده‌ها	تکنیک‌های آینده‌پژوهی
۱	*	*	***	*	*	*	*	سناریو

در زمینه شاخص ارائه انواع آینده‌ها یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از ۱۴ مقاله‌ای که با رویکرد سناریونویسی نگارش یافته است ۴ مقاله با آینده محتمل، ۳ مقاله با آینده مطلوب و یک مقاله با آینده ممکن نگارش یافته (۷۰٪)، سایر مقالات به هیچ یک از سه آینده مزبور اشاره‌ای نداشته‌اند. از ۲۸ کتاب بررسی شده در این مقاله ۶ کتاب به طور صریح به آینده محتمل اشاره داشته است (۲۱٪). در ارزیابی این شاخص مؤلفه بازه زمانی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. مقایسه مقالات با کتب بررسی شده نشان می‌دهد در اغلب مقالات توجه به بازه زمانی نسبت به کتب مغفول مانده است. با این حال، در تعدادی مقالات تحت عنوان سناریوهای بلندمدت یا میان‌مدت، بازه زمانی، به عنوان مثال ۵، ۱۵ و ۲۰ سال، مشخص شده است. به عنوان مثال مقاله «فرهنگ و سیاست در ایران آینده؛ روندها و نگرش‌ها» بازه زمانی ۱۵ مد نظر قرار گرفته است. اما در اکثر کتب بررسی شده بازه زمانی، به عنوان مثال ۲۰۱۵، ۲۰۲۵، ۲۰۴۰، مشخص شده است.

شاخص بعدی اولویت‌بندی هر یک از سناریوهای مدون می‌باشد. پس از تدوین سناریوها باید همه اطلاعات در دسترس به کارگرفته شود تا احتمال نسبی وقوع هر سناریو ارزیابی شود. بررسی مقالات نشان می‌دهد که نویسندگان به طور عمده محتمل‌ترین سناریو را برگزیده و به یکی نسبت به بقیه اولویت داده‌اند. در هیچ یک از مقالات ارزیابی شده به استثنای دو تا از مقاله‌ها، احتمال نسبی وقوع هر سناریو مشخص نشده است. در اغلب موارد، نویسندگان (گان) پس از طرح سه

یا ۴ سناریو به رد آنها اقدام ورزیده، تنها یک سناریو را به عنوان محتمل‌ترین سناریو در نظر گرفتند و در نتیجه، احتمال نسبی وقوع سناریوهای دیگر به صورت کامل مورد بررسی قرار نگرفته است. تعیین اولویت بر مبنای باورهای ارزشی نویسنده، آینده‌های متفاوت واقعی را نشان نمی‌دهد که به چالش با نقشه‌های ذهنی نویسندگان پرداخته و گزینه‌ها و پیامدهای راهبردی بسیار متفاوت را به همراه دارند. در حقیقت، یکی از نقاط ضعف نگارش سناریو این فرض ذهنی نویسنده به هنگام طراحی و ارائه سناریو است که «در فرایند تدوین سناریو احساس می‌کند سناریوی صحیح را می‌داند و مایل به پرداختن به سایر موارد نیست و یا سناریوهای غیرمحتمل را ارائه می‌دهد» (منزوی، ۱۳۸۸: ۵۸). این ضعف به وضوح در تمامی مقالات نگارش یافته مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که سناریوپردازی به جای آنکه مبتنی بر تکنیک و منطق آینده‌پژوهی باشد، با ایده شخصی و پیش‌داوری نویسنده (گان) منطبق بوده است. انتخاب یک سناریو به عنوان هدف ممکن است موجب نابینایی و غفلت سایر تحولات و احتمالات شود. با این حال، مقاله «چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات توزیع جایگشتی» (۱۳۹۰) به خوبی موفق شده است با ذکر سناریوهای مورد نظر با استفاده از روش‌های کمی اعتبارسنجی و مکانیسم علی به شرایط امکان وقوع هر یک و تأثیر آن بر موضوع مورد بحث پردازد. مقاله «سناریو آینده‌پژوهی فضای رسانه و امنیت ملی ج.ا.ایران» (۱۳۹۰) نیز با ذکر ۴ سناریو به اولویت‌بندی دو سناریوی محتمل اقدام کرده و به بررسی همان دو سناریو اکتفا کرده است.

ارزیابی کتب مورد بررسی نشان می‌دهد که تعیین و شرح احتمال نسبی وقوع هر سناریو به طور نسبی رعایت شده است و به جای آنکه مبتنی بر نگاه فرد باشد بر بافتار، وقایع، روندها و رویدادها و به ویژه عوامل پنهان اتکا داشته است. البته دقت رعایت این امر به این مسئله برمی‌گردد که اکثر این کتب ترجمه بوده است یا از سوی نهاد آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی ایران با آگاهی از تکنیک‌های آینده‌پژوهی نگارش یافته است. با این حال، در این کتب نیز معیارهای سناریونویسی به طور کامل رعایت نشده است.

در شاخص «تعیین نیروهای پیشران»، علامت * حاکی از سازگاری بسیار اندک مقالات با این تکنیک / معیار سناریونویسی است که معادل ۱۵٪ مقالات می‌باشد. دو مقاله از ۱۴ مقاله دارای محتوای سناریونگاری، نیروهای پیشران را تعیین کرده است که در آن در یک مقاله عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، با کسر عامل

فن‌آوری در روش استپ^۱، و در مقاله دیگر از روش استپ^۲ در تعیین نیروهای پیشران استفاده شده است. تعداد کتبی که به این شاخص پرداخته است نیز نسبت به مقالاتی که به این معیار پرداخته‌اند تقریباً برابر است. از ۲۸ کتاب اختصاص یافته به سناریونویسی، ۳ کتاب نیروهای پیشران را مشخص کرده است. علت این مسئله را می‌توان در این یافته پژوهش حاضر یافت که در اکثر کتاب‌ها سناریوهای مختلف مطرح شده بر طبق روش سناریونویسی نبوده است، بلکه بر اساس بررسی راهبردی و استراتژیک این سناریوها ذکر شده و به فراخور مطالب کتاب شرح داده شده است.

در شاخص «بیان مکانیسم علی» همانند شاخص «تعیین نیروهای پیشران» علامت * حاکی از توجه ضمنی و سازگاری اندک در رعایت ملاک سناریونویسی است. ۴ مقاله (معادل ۲۸٪) دارای مکانیسم علی بوده است. به عبارت دیگر، در چهار مقاله ذکر شده پارامترهای اثرگذار محیطی (شرایط محیط داخلی و بین‌المللی)، شاخص‌های راهنما (به عنوان مثال جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای)، متغیرهای کلیدی (مانند جهانی‌شدن، ۱۱ سپتامبر، حرکت‌های تروریستی) و سازمان‌دهی روش‌مند با استفاده از ابزارهای مختلف کمی و کیفی همانند مصاحبه، روش دلفی، نرم‌افزار گزینش نخبگی، مطالعه روند در روند شکل‌گیری سناریوهای مورد نظر آنها رعایت شده است. به عنوان مثال، حسین سیف‌زاده و احمد ملکی سعیدآبادی (۱۳۹۰) در مقاله خود از ابزارهایی همچون معادله توزیع جایگشتی، طیف لیکرت و نرم‌افزار بانک اطلاعاتی Simple Solver برای ترسیم و صورت‌بندی سناریوها استفاده کرده‌اند. حسین سلیمی (۱۳۹۱) در مقاله خود از روش دلفی و مطالعه روندها استفاده کرده و در نهایت سناریوهای محتمل را مطرح کرده است. با این حال، این مسئله که هر یک از سناریوها یا حالات محتمل‌تر تحت چه شرایطی و طی چه فرایندی محقق می‌شوند مغفول مانده است. چنانچه ذکر آن رفت، اکثر سناریوها به جای بررسی احتمال وقوع نسبی هر یک، پس از ارائه از سوی نویسندگان رد شده‌اند و سناریوی محتمل‌تر آن هم با اتکا به ایده ذهنی آنها مطرح شده است. بررسی سایر مقالات حاکی از عدم رعایت تکنیک مکانیسم علی و معیارهای اعتباربخشی است.

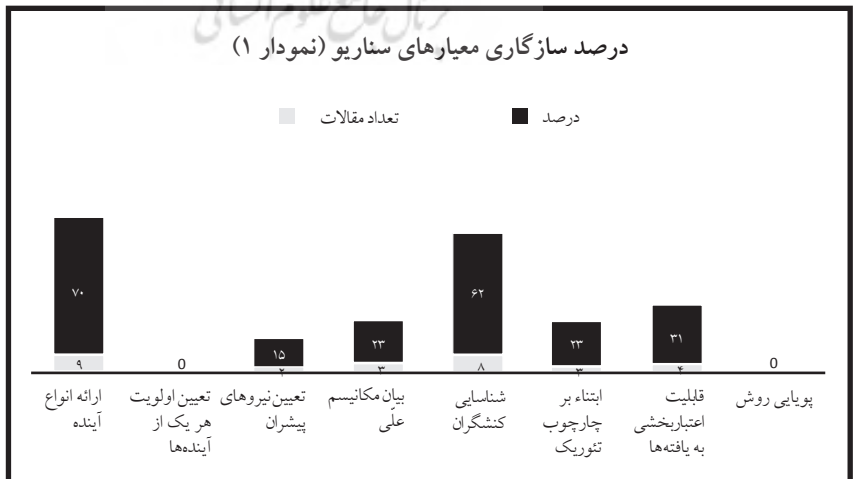
شاخص «شناسایی و معرف کنشگران» با علامت ** نشان‌دهنده قوت و

سازگاری این تکنیک در فرایند سناریونویسی است؛ به گونه‌ای که این شاخص ۶۲٪ مقالات را به خود اختصاص داده است و پس از معیار ارائه انواع آینده (۷۰٪) بالاترین درصد را در ماتریس مورد نظر ما دارا می‌باشد. ۸ مقاله از ۱۳ مقاله به طور مستقیم از بازیگران اثرگذار داخلی و خارجی همچون دولت‌ها، نخبگان و شخصیت‌های سیاسی، سازمان حکومت، بازیگران بین‌المللی نام برده است. بررسی کتب مورد بررسی نیز از قوت این مسئله حکایت می‌کند. با این حال، تقریباً به طور برابر چه در کتب و چه در مقالات تحت بررسی، دولت به مثابه مهم‌ترین کنشگر قلمداد شده است.

در تکنیک «ابتداء بر چارچوب تئوریک» همانند تکنیک «مکانیسم علی» ۳ درصد مقالاتی که دارای این معیار می‌باشند برابر است. ۳ مقاله از ۱۳ مقاله با روش سناریو (معادل ۲۳٪) دارای چارچوب‌های تئوریک همچون تئوری مکتب کپنهاگ، ساختاریابی و چارچوب گفتمانی هستند و سایر مقالات باقی‌مانده فارغ از رویکرد نظری خاص به بررسی موضوع مورد مطالعه پرداخته‌اند. به صورتی که در بخش چارچوب نظری در این دسته از مقاله‌ها ترکیبی از تئوری‌های مختلف در مورد موضوع مقاله شرح داده شده است یا نویسنده در باب اهمیت موضوع مورد مطالعه بدون چارچوب تئوریک خاص ادبیاتی را ارائه کرده است. به همین دلیل علامت * نشان‌دهنده توجه اندک پژوهش‌های آینده‌پژوهی انجام شده در روابط بین‌الملل به رویکرد تئوریک است. این در حالی است که ما با کثرت رویکردهای تئوریک در روابط بین‌الملل و اهمیت شناخت آنها در پژوهش‌های خود واقف هستیم.

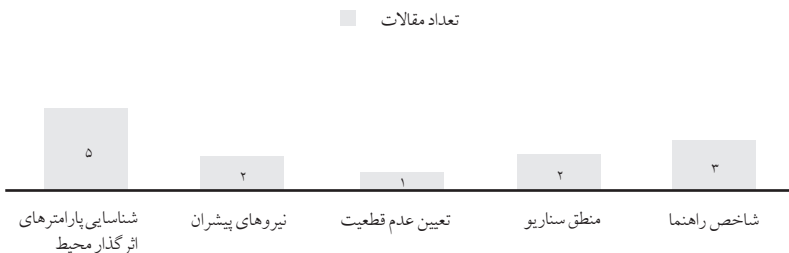
«قابلیت اعتباربخشی به یافته‌ها» تکنیک دیگری است که یافته‌های پژوهش حاکی از ضعف عمده در این بخش است. با این حال، در ۴ مقاله از ۱۴ مقاله سناریونویسی (معادل ۳۱٪) از روش‌های کمی و کیفی یا ترکیبی از هر دو روش جهت اعتباربخشی به یافته‌ها همچون روش دلفی، نرم‌افزار گزینش نخبگی، مصاحبه، نظرسنجی از صاحب‌نظران، ¹SWOT و پرسشنامه استفاده شده است که اعتبار سناریوهای ارائه شده را بالا می‌برد. ارزیابی سایر مقالات نشان می‌دهد که این معیار در فرایند سناریونویسی نادیده انگاشته شده است. در حقیقت، نداشتن تخصص، سوگیری و سطحی‌نگری نویسندگان مقاله از آفت‌های سناریونویسی قلمداد می‌شود.

همانطور که در جدول ماتریس مشاهده می‌شود «پویایی روش» در کل مقالات و اکثر کتب بررسی شده مغفول مانده است. تشکیل تیم مشارکتی برای ارزیابی پیامدهای سناریوهای مدون و بازنگری در سناریوها و سری‌های زمانی می‌تواند در پویایی روش سناریو بسیار تأثیرگذار باشد. توجه به سیگنال‌های ضعیف، شگفتی‌سازها و پایش محیطی عواملی مؤثر در پویایی روش است که در مقالات مشاهده نشده است. با این حال، ارزیابی کتب مورد بررسی بر اشاره و توضیح این عوامل، هر چند به صورت محدود، دلالت دارد. سیگنال‌های ضعیف بر ناپیوستگی یا رویدادهایی متمرکز می‌شوند که به سختی قابل پیش‌بینی بوده و تصمیم‌گیرندگان و مدیران ارشد را مجبور به پذیرفتن اجرای اقدامات مؤثر می‌کند. شگفتی‌سازها نیز مسایلی هستند که در مقابل آنها برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. در واقع، شگفتی‌هایی هستند که قدرت تغییر کامل توان شما را دارند و نتیجه کامل معادله را تغییر می‌دهند. اغلب در هنگام ساخت سناریو، با یک ماتریس حاوی چهار منطق مختلف، سناریوی پنجم «شگفتی‌ساز» باید در نظر گرفته شود که موجب نوعی شگفتی و تغییر عمده ولی مرتبط می‌شود. شگفتی‌سازها که از طریق سیگنال‌های ضعیف از وقوع چیزی خبر می‌دهند، موجب تقویت اهمیت «تفکر مداوم خارج از چارچوب» می‌شوند. پویش محیط نیز صد و پویش نظام‌مند محیط جهت ادراک رویدادها و علائم ضعیف تغییر قلمداد می‌شود (منزوی، ۱۳۸۸: ۴۵-۵۳؛ هیدن، ۱۳۸۹: ۲۶). بنابراین، همان‌طور که مشاهده می‌شود پویایی روش در مقالات به وضوح نادیده انگاشته شده است (نمودار ۱).

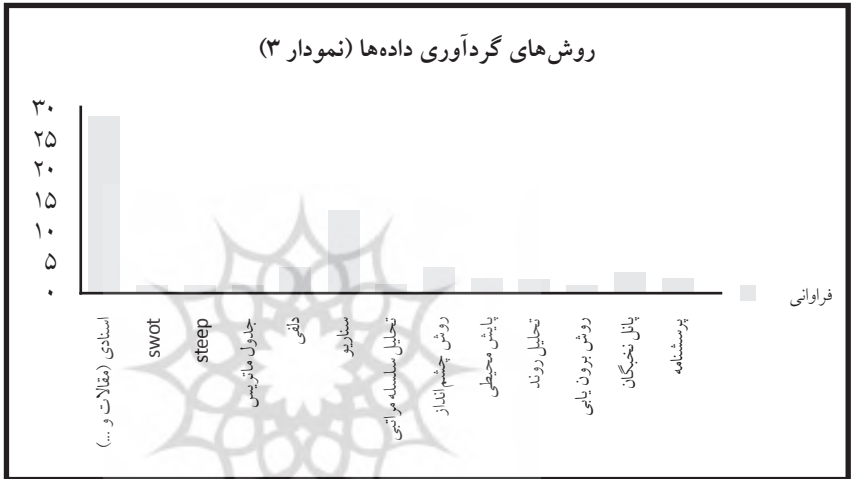


بررسی مقالات مبتنی بر سناریو حاکی از آن است که گام‌های هشت‌گانه تدوین سناریو در مقالات نویسندگان به دقت رعایت نشده است. از ۱۴ مقاله بررسی شده، در ۵ مقاله، شاخص شناسایی نیروهای اثرگذار محیط، در ۲ مقاله شاخص نیروهای پیشران، در ۱ مقاله شاخص عدم قطعیت با روش سلسله مراتبی، در ۲ مقاله شاخص منطق سناریو، با روش دلفی و نرم‌افزار بانک اطلاعاتی Simple Solver و در ۳ مقاله، شاخص‌های راهنما مشخص شده‌اند (نمودار ۲). اهم موضوعات، در گام اول سناریونویسی، حول محور رسانه، جنگ نرم، انرژی، انقلاب اسلامی، مطالعات سیاسی، سیاست خارجی، از جمله عراق، ایران و امریکا، سند چشم‌انداز، برنامه پنجم توسعه، نگارش یافته است. یافته‌های پژوهش تصریح دارد که عدم رعایت کامل معیارها و گام‌های مختلف سناریونویسی به نظر می‌رسد بر ضعف عمده کم‌توجهی به رویکردها و روش‌های آینده‌پژوهی و عدم آگاهی نویسندگان در حوزه روابط بین‌الملل به فرایند سناریونویسی دلالت دارد. در مرحله تدوین سناریو نه تنها هیچ اشاره‌ای به اینکه هدف از تدوین سناریونویسی کدامیک از موارد سناریونویسی برای برنامه‌ریزی، برای یادگیری یا سناریونویسی برای ارزیابی (به عنوان مثال ارزیابی استراتژی‌ها و رفتارهای موجود یک واحد تحلیل) است نشده، بلکه از محتوای مقالات نیز نمی‌توان به آن پی برد. از سوی دیگر، روش سناریو به طور عمده در شرایط پیچیدگی توأم با عدم قطعیت بالا و پیامدهای بلندمدت مطرح می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که موضوعات مورد مطالعه نویسندگان با شرایط فوق‌سازگاری نداشته است و عدم قطعیت‌ها، به استثناء یک مقاله و نیروهای پیشران که حاکی از ضرورت اتخاذ سناریونویسی باشد، مشاهده نشده است.

گام‌های تدوین سناریو (نمودار ۲)



شایان ذکر است که روش گردآوری اطلاعات در مقالات آینده‌پژوهی و سناریونویسی به صورت روش‌های کمی و کیفی یا ترکیبی از دو روش مزبور بوده است. در اکثر مقالات از روش‌های مختلف برای مراحل مختلف آینده‌پژوهی و سناریونویسی استفاده شده است. بنابراین، در فرایند نگارش مقالات نوعی همپوشانی از نظر روش گردآوری اطلاعات، داده‌ها و اعتباربخشی به یافته‌ها بین بخش‌ها و مراحل گوناگون تدوین سناریو یا دیگر رویکردهای آینده‌پژوهی مشاهده می‌شود. در نمودار ۳ فراوانی استفاده از روش‌ها ارائه شده است:



همانطور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود اسناد کتابخانه‌ای از بالاترین فراوانی برخوردار بوده‌اند که دال بر چیرگی این روش در پژوهش‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در نگارش مقالات است. البته مزیت اتخاذ روش آینده‌پژوهی در پژوهش‌ها، در لزوم به کارگیری سایر روش‌های کمی و کیفی در فرایند نگارش مقالات است که از سلطه یک‌جانبه روش کتابخانه‌ای می‌کاهد. علاوه بر روش اسنادی، روش سناریو با ۱۳ مقاله، روش‌های دلفی و چشم‌انداز با ۴ مقاله و روش پانل نخبگان با ۳ مقاله، روش‌های تحلیل روند، پایش محیط و پرسشنامه هر یک با ۲ مقاله در مراتب بعدی قرار دارند. روش‌های برون‌یابی، تحلیل سلسله مراتبی، جدول ماتریس، SWOT¹ و STEEP¹ با وجود اهمیت بالا در فرایند نگارش سناریو پایین‌ترین رتبه را دارند. با وجود مزیت‌های به کارگیری این روش‌ها در پژوهش آینده‌پژوهانه، درصد کلی استفاده از آنها در مقایسه با روش اسنادی (کتابخانه‌ای)

1. Societal, Technological, Economic, Ecological, Political (STEEP) Developments

بسیار پایین می‌باشد یا اینکه بر اساس معیارها و اصول روش‌شناختی خاص خود انجام نمی‌شوند. این مسئله سوای از آنکه از اعتبار مقالات می‌کاهد، بر ضعف روش‌شناسی در حوزه‌های آکادمیک کشور در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز دلالت دارد.

۲- مقایسه و ارزیابی یافته‌های آینده‌پژوهی با سایر یافته‌های نشریات تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

در این بخش به منظور درک علل کم‌توجهی به روش‌های آینده‌پژوهی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سایر یافته‌های نشریات تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ایران با بررسی ۱۴۲ مقاله علمی - پژوهشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۸۸-۱۳۹۲ در نشریه‌های منتخب مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت که بدون رویکرد آینده‌پژوهی تولید شده‌اند. هدف از ارزیابی این مقالات بررسی امکان وجود تصویری از آینده در حوزه‌های موضوعی مورد مطالعه است، بدون آنکه در چارچوب روش آینده‌پژوهی اقدام به مطالعه صورت گرفته باشد. سپس نتایج حاصله با یافته‌های مقالات و کتب مورد بررسی فوق در حوزه آینده‌پژوهی مقایسه شده تا امکان آسیب‌شناسی فرایندهای آینده‌پژوهی در پژوهش‌های این رشته علمی در داخل فراهم آید.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در ۳۹٪ مقاله‌ها یعنی ۵۶ مقاله از ۱۴۲ مقاله بدون آنکه رویکرد آینده‌پژوهی داشته باشند، به صورت هر چند محدود تصویری از آینده ارائه شده است. در مقالاتی که با تکیه بر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه پنجم توسعه نگارش یافته‌اند در حد قابل ملاحظه آگاهی نویسنده به چشم‌انداز به مثابه یکی از افق‌های آینده‌پژوهی به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که نگاه آینده‌ساز در این مقاله‌ها تشویق شده است. به عنوان مثال جوادی ارجمندی در بخشی از مقاله خود با عنوان «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ا. در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای» سند چشم‌انداز را «دارای ویژگی‌هایی از قبیل آینده‌نگری، ارزش‌گرایی، واقع‌گرایی و جامع‌نگری دانسته است» (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸: ۷۶). عیوضی بر اساس برنامه پنجم توسعه «تأکید بر در پیش گرفتن رویه مسالمت‌آمیز و به دور از تنش‌زایی در منطقه از سوی ج.ا.ا. را گامی بسیار مثبت» دانسته است «که تحولی مهم در نوع نگاه به آینده تعاملات منطقه‌ای نسبت به ایران را در پی خواهد داشت» (عیوضی، ۱۳۹۰: ۳۶۹). بررسی محتوای

سایر مقاله‌ها که بدون نگاه به سند چشم‌انداز نگارش یافته‌اند نیز تصویرهایی از آینده همچون «آینده امنیت انرژی»، «آینده زیست بشر» و «آینده سیاست خارجی نفت و گاز» مشاهده می‌شود. با این حال، عدم مشاهده واژه‌ها و ادبیات رایج در روش‌شناسی آینده‌پژوهی یکی از نقاط ضعف مقالات مورد بررسی قلمداد می‌شود. استدلال‌های ذکر شده در مقالات درباره افق آینده پدیده مورد مطالعه از چند سطر تجاوز نمی‌کند و به طور عمده مبتنی بر باورهای ارزشی و نقطه نظرات شخصی نویسندگان می‌باشد، بدون آنکه از روشی قابل قبول برای اعتبارسنجی به یافته‌ها استفاده شده باشد. بررسی روش‌های گردآوری داده‌ها و تحلیل نیز حاکی از چیرگی منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. این مسئله حاکی از ضعف تدریس روش‌های مختلف کمی - آماری و کیفی در دروس روش‌شناسی در حوزه‌های آکادمیک ایران و شناخت اندک و ناکارآمد دانشجویان این رشته با این روش‌ها می‌باشد.

از سوی دیگر، در اکثر مقالات نوعی همپوشانی میان رویکردهای آینده‌نگر و تجویزی در استدلال‌ها به چشم می‌خورد؛ به این معنا که تشخیص آینده‌نگری از رویکرد تجویزی دشوار به نظر می‌رسد. به عنوان مثال، ارائه استدلال‌ها و راهکارهایی همچون «استفاده از فرصت‌ها و ایفای نقش مؤثر و سازنده منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی ایران»، «در اولویت قرار گرفتن حفظ وضع موجود و تلاش جهت تثبیت و ارتقای این نقش در سیاست خارجی ایران»، «مدیریت صحیح انرژی در بخش‌های تولیدی و صنعتی و فرهنگ‌سازی صحیح جهت مصرف بهینه انرژی»، «تلاش جهت کاهش شکاف درآمدی» در مورد آینده وضعیت پدیده مورد مطالعه بیشتر نمایانگر جنبه تجویزی، بایست و تقلیل‌گرایانه پژوهش می‌باشد تا رویکردی آینده‌نگرانه.

بنابراین، زمانی بهتر متوجه وضعیت توجه ناچیز به پژوهش‌های آینده‌پژوهی در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران می‌شویم که یافته‌های حاصل از بررسی مقاله‌های سیاست خارجی مورد بررسی در این بخش را با یافته‌های حاصل از مقاله‌های آینده‌پژوهی در بخش قبل مقایسه کنیم. حجم پایین مطالبی که به ارائه تصاویری از آینده اختصاص یافته است (۳۹٪) با حجم اندک مقاله‌هایی که با روش آینده‌پژوهی نگارش یافته است تقریباً برابری می‌کند که به معنای نبود شناخت کافی از روش‌شناسی و معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی برای پژوهشگران این رشته است. در مقابل، مقایسه یافته‌های مقاله‌های نشریات تخصصی علوم سیاسی با یافته‌های حاصل از بررسی کتاب‌های منتخب در این مقاله از دانش نسبی آینده‌پژوهی میان پژوهشگران و متخصصان حوزه‌های پژوهشی و آموزشی صنایع

دفاعی کشور خبر می‌دهد. مؤسسه آموزشی تحقیقاتی آینده‌پژوهی صنایع دفاعی و توجه به پژوهش آینده‌پژوهی در دانشکده دفاع ملی شاهدهی بر این مدعا است. با این حال، این مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی از نظر توجه به این حوزه پژوهشی در دوران طفولیت خود به سر می‌برد و تا رسیدن به شناخت مکفی و کارآمد در این عرصه راهی دراز در پیش دارد. بررسی محتوای کتب دارای رویکرد سناریونویسی و آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که اساساً با استناد به ترجمه کتب و محتوای آموزشی مطالب به جای تجربی - پژوهشی نگارش یافته و در نتیجه سهمی ناچیز از تولید و انباشت دانش و فن‌آوری را به خود اختصاص داده است.

۳- دلایل کاربرد اندک پژوهش‌های آینده‌پژوهی در مقاله‌های علمی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران

پس از نشان دادن کاستی‌های مقاله‌های پژوهشی آینده‌پژوهی و کتب مورد بررسی با محوریت روش سناریونویسی، کاربرد اندک این پژوهش‌ها با ذکر برخی علت‌های احتمالی مورد آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد، بدون آنکه نگارنده در مقام داوری قرار گیرد و سهم هر یک از علت‌های احتمالی را به کمک شواهد پژوهشی به تأیید برساند.

الف - یکی از دلایل احتمالی کاربرد اندک آینده‌پژوهی به طور عام و سناریونویسی به طور خاص، تازگی و بداعت این حوزه مطالعاتی نسبت به سایر حوزه‌ها و رشته‌های علوم اجتماعی، با وجود دغدغه دراز مدت و تاریخی که در خصوص آینده‌اندیشی وجود داشته است.

ب - آینده‌پژوهی و روندپژوهی همبسته با آن، اغلب از سوی متخصصان، پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی روشی غیردقیق، آمیخته با تردید و غیرمطمئن تلقی می‌شود. وجود باورهای نادرست و انتظار غیرعلمی و ساده‌لوحانه از آینده‌پژوهی به عنوان روش پیش‌گویی و پیش‌بینی آینده هنوز هم به شکلی گسترده مشاهده می‌شود که اغلب نومییدی و دلسردی به همراه می‌آورد. مقوله حساس پیش‌بینی‌ناپذیری و عدم قطعیت آینده که از اوایل دهه ۷۰ همزمان با گسترش سناریو مطرح شده بود، هنوز هم در بسیاری از نهادها و حوزه‌های آکادمیک پذیرفته نشده است.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: حیدری، عباداله (۱۳۸۷). آینده‌پژوهی و مدیریت آینده در سی‌تاییه، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، حوزه توسعه کاربرد فن‌آوری‌های پیشرفته، مرکز آینده‌پژوهی و اطلاع‌رسانی.

پ - دلیل دیگر کم‌توجهی به این رشته مطالعاتی در آشنایی اندک اساتید، دانشجویان و پژوهشگران روابط بین‌الملل با هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آن است. آینده‌پژوهی به دلیل هویت بین‌رشته‌ای که دارد از بسیاری از روش‌های سایر علوم همچون علوم تجربی، اجتماعی، روان‌شناسی در کنار روش‌های مورد نظر خود استفاده می‌کند. پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به دلیل آشنایی اندک با کم و کیف فنون و روش‌های کمی و کیفی قادر به انجام مطالعات آینده‌پژوهی نیستند و در نتیجه آنها علاقه دارند تا به روش‌های سنتی مدیریت راهبردی و منابع کتابخانه‌ای نگارش مقاله پای‌بند باشند.

ت - زمان‌بر بودن و هزینه مالی انجام مطالعات آینده‌پژوهی به ویژه به دلیل کاربست تکنیک‌ها و روش‌های اعتبارسنجی در ذیل روش‌های دلفی و سناریونویسی از جمله ضرورت استفاده از پانل نخبگان (بین ۱۲ تا ۲۰ نفر در بازه زمانی ۳ تا ۱۸ ماه) (قدیری، ۱۳۸۴: ۱۱)، پرسشنامه، گروه‌های متمرکز و دشواری دسترسی دانش‌پژوهان به آنها، پایش محیطی، ابزارهای کمی و غیره سبب بی‌علاقگی به انجام چنین پژوهش‌هایی از سوی نهادهای آکادمیک و دانشجویان رشته روابط بین‌الملل می‌شود.^۱ کسب حمایت مالی از سوی نهادهای آکادمیک اغلب امکان‌پذیر نیست یا در صورت کسب چنین حمایتی با محدودیت زمانی همراه خواهد بود؛ کما اینکه پذیرش انجام مطالعات آینده‌پژوهی در بین نهادهای آکادمیک در رشته روابط بین‌الملل همچنان با دشواری‌هایی همراه است.^۲

ث - در کتاب «بررسی تطبیقی و ترازبایی در نظام‌های آینده‌پژوهی شش کشور؛ پیشنهاد نظام مناسب برای آینده‌نگاری در ایران» از جمله مشکلات انتخاب روش مناسب برای آینده‌پژوهی را چنین ذکر کرده است: کمبود کارشناس و صاحب‌نظر ایرانی؛ منابع مالی محدود؛ توان پایین در انجام کار گروهی؛ نبودن در سطح تولید فن‌آوری؛ نیاز به نظام متمرکز و خطر اجرای نتایج. از این رو، از بین روش‌های مورد استفاده، روش دلفی و سناریونویسی به دلیل زمان‌بر بودن و کمبود کارشناس به عنوان روش‌هایی با کارآمدی اندک قلمداد شده، روش پانل‌های مختلف و SWOT به دلیل سادگی اجرا، قابل فهم بودن نتایج و نیاز به زمان کم توصیه شده است (کرامت‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۸۹).

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: کرامت‌زاده و دیگران (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی و ترازبایی در نظام‌های آینده‌پژوهی شش کشور؛ پیشنهاد نظام مناسب برای آینده‌نگاری در ایران. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی، مؤسسه بنیان دانش‌پژوهان، گروه مطالعات فن‌آوری رصد.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: سیدامامی، کاووس (۱۳۸۹). جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، ص ۱۵۶-۱۵۵.

ج - روش سناریونویسی در وزارتخانه‌ها و نهادهای گوناگون رسمی در ایران، در صورت انتخاب و انجام این روش، اغلب به صورت محرمانه صورت می‌پذیرد و همانطور که سیدامامی اشاره دارد، «حتی اگر مهر محرمانه نخورده باشد، معمولاً در بایگانی‌های دستگاه‌های سفارش دهنده باقی می‌مانند و دسترسی پژوهشگران به آنها اگر غیرممکن نباشد، دست کم بسیار دشوار است». در نتیجه «آنچه از یافته‌های پژوهشی هرگز به عنوان دانش انباشته شده در اختیار پژوهشگرانی که برای کار خود نیاز به چنان داده‌هایی دارند و می‌توانند با انواع تحلیل‌های ثانویه به تولید بیشتر علم کمک کنند، قرار نمی‌گیرند» (سیدامامی، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۵).



نتیجه گیری

با مروری بر مقاله‌های چاپ شده در نشریه‌های تخصصی علوم سیاسی و روابط بین الملل و بررسی کتب منتخب و مقایسه آنها با مجموعه‌ای منتخب از مقاله‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تلاش شد تا کاربرد اندک مطالعات آینده‌پژوهی به ویژه با محوریت روش سناریونویسی، به دلیل اهمیت بالای آن در پدیده‌ها و رفتارهای سیاسی، نشان داده شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود شناخت اندک و ناکافی از آینده‌پژوهی و سناریونویسی به مثابه یکی از روش‌های کاربست آن در نهادهای آکادمیک و اجرایی ایران، برخی نهادها و دستگاه‌های سیاسی رسمی از جمله وزارت دفاع در این زمینه پیشروتر هستند. داده‌های پژوهش حاضر با اتکا بر کتاب‌های مورد بررسی در انتشارات مؤسسه آموزشی تحقیقاتی علوم و فن آوری دفاعی کشور را می‌توان شاهدی بر مدعای نگارندگان دانست. همانطور که در مقدمه ذکر آن رفت ممکن است روش‌های آینده‌پژوهی و سناریونویسی در سایر دستگاه‌های رسمی کشور نیز انجام شده باشد، اما به دلیل محرمانه بودن یا عدم دسترسی نگارنده در اینجا ذکر نشده باشد. به عبارت دیگر، تحقیقات اندک انجام شده در ارتباط با موضوع و روش مورد استفاده در این تحقیق، عدم دسترسی به دستاوردهای پژوهشی آینده‌پژوهی و سناریونویسی در نهادهای دولتی، در صورت انجام آن، از محدودیت‌های تحقیق حاضر به شمار می‌رود. از سوی دیگر، علت‌های احتمالی ذکر شده در مقاله در زمینه کمبود توجه و نگارش مقاله‌های آینده‌پژوهی و سناریونویسی بر ضرورت تدریس و شناخت روش‌شناسی آینده‌پژوهی در دروس روش‌شناسی روابط بین الملل در دانشگاه‌های ایران دلالت دارد.

منابع

الف) منابع فارسی

- بیشاب، پیترا؛ هایبز، اندی؛ کالینز، تری. (۱۳۸۸). **وضعیت کنونی سناریونویسی؛ مرور اجمالی تکنیک‌ها**، مترجم: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- تقوی، محمدعلی؛ ادیبی، مهسا. (۱۳۸۹). **ضعف سنت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال پنجم، شماره دوم، ص ۲۷-۷.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر. (۱۳۸۶). **سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ا. در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای، فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱، ص ۹۰-۶۷.
- چهارسوقی، سیدکمال و دیگران (۱۳۹۱). **آینده‌پژوهی در حوزه انرژی و ارزیابی راهبردهای مدیریت انرژی کشور با استفاده از برنامه‌ریزی سناریو، بهبود مدیریت**، شماره ۴، پیاپی ۱۸، ص ۳۳-۵.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۰). **معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده، فصلنامه راهبرد، سال بیستم**، شماره ۵۹، ص ۱۰۵-۷۷.
- حسینی مقدم، محمد. (۱۳۹۰). **کاربرد آینده‌پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه به لایه علت‌ها، رهیافت‌های سیاسی و بین‌الملل**، ص ۱۸۸-۱۶۹.
- خزایی، سعید. (۱۳۹۲). **آینده‌پژوهی**، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). **روش تحقیق در علوم اجتماعی و فرهنگی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۱.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۷). **پارادوکس‌های آموزش روش‌شناسی علم سیاست در ایران؛ برخی راهکارهای عمل‌گرایانه، دانش سیاسی**، شماره اول، ص ۱۵۳-۱۲۳.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۹). **جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال پنجم، شماره دوم، ص ۱۵۶-۱۵۵.
- سیف‌زاده، حسین؛ ملکی سعیدآبادی، امید. (۱۳۹۰). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات جایگشتی، فصلنامه روابط خارجی**، سال سوم، شماره اول، ص ۲۴۳-۲۰۹.
- شارپ، بیل؛ وندرهیدن، کیس. (۱۳۸۸). **سناریوها برای کسب موفقیت؛ تبدیل دراک به اقدام**، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۰). سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و الگوی امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸، ص ۳۶۷-۳۸۶.

کرامت‌زاده، عبدالمجید و دیگران. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی و ترازبایی در نظام‌های آینده‌پژوهی شش کشور؛ پیشنهاد نظام مناسب برای آینده‌نگاری در ایران، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی، مؤسسه بنیان دانش پژوهان، گروه مطالعات فن‌آوری رصد.

لیندگرن، ماتس؛ باندهود، هانس. (۱۳۸۶). طراحی سناریو؛ پیوند بین آینده و راهبرد. مترجم: عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

منزوی، مسعود. (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، روش‌ها. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

میتزرنر، دانا؛ رگر، گایدو. (۱۳۸۸). سناریو و رویکردهای متفاوت آن، مترجم: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

میچچ، پرو (۱۳۸۷). آینده‌پژوهی و مدیریت آینده در سی‌تانیه، مترجم: عباداله حیدری، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، حوزه توسعه و کاربرد فن‌آوری‌های پیشرفته، مرکز آینده‌پژوهی و اطلاع‌رسانی.

نپوری‌زاده، بهنام. (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، روش‌ها. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

وندر هیدن، کیس. (۱۳۸۹). سناریوها؛ هنر گفتگوی راهبردی، مترجم: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

(ب) منابع انگلیسی

B. Neuman, I. & F. Overland, E. (2004). *IR & Policy planning: The Method of Perspectivist Scenario Building, International Studies Perspectives*, 5, 258-277.

Bell, W. (1997). **Foundations of Future Studies: Human Science for a New Era**. Vol. I, New Brunswick: Transactions Publishers.

Burt, G. & van der Heijden, K. (2008). *Towards a Framework to Understand Purpose in Future Studies: The Role of Appreciative System*,

Technological Forecasting & Social Change, 75, 1109–1127.

Glenn, J. (1994). *Introduction to the Futures Research Methodology Series*. **AC/UNU Millennium Project**, 1-45.

Marien, M. (2002). *Futures Studies in 21st Century: a reality - based View*, **Future Survey**, 34, 261-281. Retrieved from: www.Elsevier.com/locate/future.

The Futures Group. (1994). *Scenarios*, **AC/UNU Millennium Project**, 1-22.

